

اعراب فعل مضارع :

هر فعل مضارع در جمله دارای اعراب می‌باشد که این اعراب، هیچ ربطی به نقش آن فعل مضارع در جمله ندارد، بلکه اعراب فعل مضارع فقط تحت تأثیر حروف ناصبه یا جازمه یا ساختار شرط تغییر می‌کند که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم :

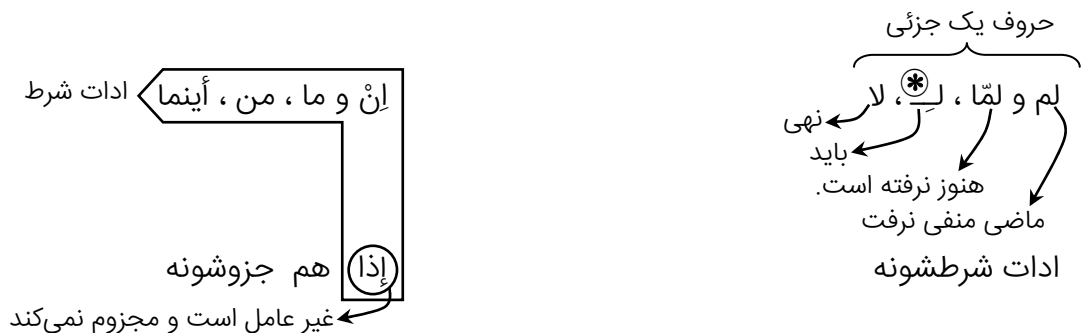
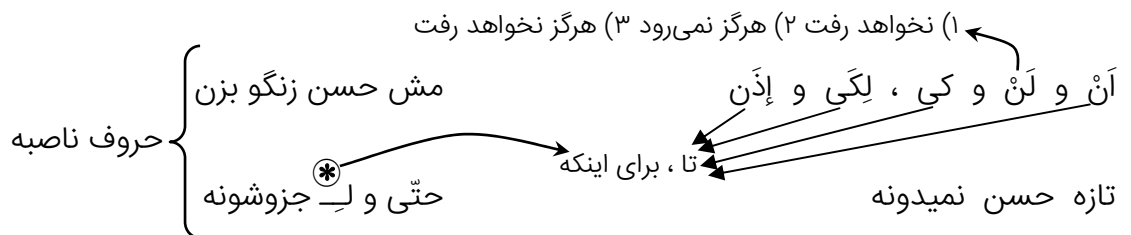
مضارع منصوب: هنگامی که حروف ناصبه قبل از فعل مضارع بیاید اعراب آن را مضارع منصوب می‌کند.

مضارع مجزوم: هنگامی که حروف جزمه قبل از فعل مضارع بیایند یا اینکه فعل مضارع در ساختار شرط (چه فعل شرط، چه جواب شرط) بکار رود مجزوم می‌شود.

مضارع مرفوع: به جز موارد بالا، اعراب فعل مضارع مرفوع باقی می‌ماند، یعنی زمانی که حرف ناصبه، جازمه یا ساختار شرطی در کار نباشد، فعل مضارع مرفوع خواهد بود.

انواع اعراب فعل مضارع

دو بیتے مش حسن :



(۱) لـ ناصبه ← به معنی (تا ، برای اینکه) و قبل از مخاطب هم می‌آید، علاوه بر اینکه از غائب و متکلم می‌آید.

لـ + مفعل مضارع (مخاطب) %۱۰۰ ناصبه

لـ + مفعل مضارع

(۲) لـ جازمه ← به معنی امر (باید) و فقط قبل از غائب و متکلم می‌آید.

(۳) لـ جاره ← (لـ + اسم یا مصور)

انواع لـ

(۱) لای نهی ← لا + فعل مضارع (مجزوم)
در غالب و متکلم نباید معنی می‌دهد.

در مخاطب امر منفی منفی معنی می‌دهد

امر منفی می‌دهد

انواع لا قبل از
فعل مضارع

(۲) لای نفی

چسبیده به ادات شرط می‌آید.

جواب شرط

+ فعل شرط

معنی : بزنی ← می‌زنم (خواهم زد)

مجزوم

قراعه : مجزوم

ساختار شرط :
 {
 ان
 من
 ما
 اذا
 اینما
 }
 عامل نیست

نکات تکمیلی ساختار شرط و اعراب فعل مضارع :

(۱) در ساختار شرط فعل شرط و جواب شرط می‌توانند ماضی نیز بیایند که در این صورت بازم مجزوم می‌شوند اما به صورت محلاً مجزوم، یعنی در ظاهر هیچ تغییری رخ نمی‌دهد.

مثال: من تَأْمَلُ قَبْلَ الْكَلَامِ سَلَّمَ عَنِ الْخَطَاءِ .

ماضی

ماضی باب تَفَعَّلُ

ادات شرط

(مجزوم محلاً)

(مجزوم محلاً)

ادات شرط (فعل) ← (فعل)
ادات شرط (فعل) ← فَ... (فعل)

(۲) در تأیید ساختار شرط یکی از این ۲ قالب باید بیابند

(۳) اگر بعد از اادات یک فعل مجزوم دیدیم، وقت را تلف نکنیم و مطمئن باشیم ساختار شرط برقرار است و مطمئن باشیم فعل دوم هم در کار هست که نیازی به پیدا کردنش نیست.

من يَعْمَلُ مثقال ذرة خيراً يره.

مجزوم است ← مطمئن باشیم ساختار شرط است و فعل مجزوم دیگری نیز در کار هست.
و ما مطمئن هستیم

(۴) تنها جایی که فعل ماضی به صورت مضارع ترجمه می‌شود در ساختار شرط است و تنها جایی که فعل ماضی اعراب می‌گیرد و محلاً مجزوم می‌شود بازهم ساختار شرط است.

در تشخیص انواع ل نکات زیر هم دقت کنید :

(۱) اگر قبل از ل + مضارع حرف (فـ) بکار رفته باشد ← ۱۰۰٪ مضارع مجزوم است.

فليعبد و رَبِّ هذا البيت



۱۰۰٪ لـ جازم است.

(۲) در تشخیص انواع لـ بدانیم : در ترجمه : ۲ تا (باید) یا ۲ تا (تا، برای اینکه) در یک عبارت پشت سرهم نمی‌آیند پس اگر در ترجمه یک (باید) داشتیم بعدی تا معنی می‌دهد و اگر (تا) داشتیم بعدی باید معنی می‌دهد.

لَا جَتَهْدِ حَتَّىٰ أَنْجَحَ



(تا)



(لا)

→

نحوه‌ی پذیرش اعراب مضارع :

مرفوع (ـُ)	منصوب (ـِ)	مجزوم (ـِ)
---------------	---------------	---------------

در صیغه‌های ۱/۴/۷/۱۳/۱۴ اعراب فعل مضارع اصلی (ظاهری) می‌باشد.

در صیغه‌های ۶/۱۲ (مبنی) ← اعراب فعل مضارع (محللاً) می‌باشد.

مرفوع : ثبوت نون اعراب
 در بقیه‌ی صیغه‌ها ← (فرعی)
 (ن) اعراب
 منصوب یا مجزوم : حذف نون اعراب
 اعراب را مشخص می‌کند.

هیچ‌گاه (مرفوع به واو) / منصوب به (یاد) در مورد فعل مضارع صحیح نیست
 بلکه این عبارت معنی اسم‌های مذکر سالم یا مثنی کاربرد دارد.

تذکر: فعل‌های متصل اجوف و ناقص در مضارع‌های ۱/۴/۷/۱۳/۱۴ هنگام مجزوم شدن حروف علّی آن‌ها حذف می‌شود.

تذکر: کسره‌ی عارضی ← هنگامی که انتهای فعل (ـِ) باشد و کلمه‌ی بعدی ال بگیرد برای سهولت در تلفظ ساکن انتهای فعل به کسره تبدیل می‌شود که به آن کسره‌ی عارضی گویند.